

راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی از منظر قرآن کریم

رضا راستگو^۶

تاریخ پذیرش: ۱۶/۰۲/۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۰۴/۰۲/۱۴۰۳

چکیده

امروزه دشمنان با توجه به نتیجه نگرفتن از جنگ سخت و همچنین هزینه های هنگفتی که جنگ سخت دارد رو به جنگ نرم و تهاجم فرهنگی آورده اند. جنگ نرم به هر گونه اقدام غیر نظامی، روانی و تبلیغاتی که در مقابله با ارکان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی یک ملت به منظور استعمار آنها صورت می گیرد، اطلاق می شود. تمام تلاشی که در این مقاله به کار بسته شده این است که ابتدا مهم ترین راه های نفوذ دشمن و ویژگی های این گونه تهاجم بیان شده است تا به مخاطب یادآوری کند که شیوه نفوذ دشمن به چه صورت است سپس با استعانت از قرآن کریم که کتاب جامع برای هدایت است راهکارهای مقابله با دشمن بیان شده است. از جمله راه هایی که قرآن کریم اشاره میکند: بصیرت افزایی، عدم اعتماد به دشمنان، برخورد با مفسدین، ایمان به خداوند و وحدت است.

کلیدواژگان: تهاجم، فرهنگ، تبادل فرهنگی، بصیرت، دشمن.



^۶ دانش پژوه سطح ۳ علوم قرآنی و تفسیر.

مقدمه

بحث تهاجم فرهنگی، از مباحثی است که در جامعه کنونی ما دارای اهمیت بسیار زیادی برای بررسی و توجه است. تهاجم فرهنگی علی‌رغم بحثها، میزگردها، کنفرانسها و... که در چند سال اخیر صورت گرفته، هنوز به طور کامل شناسایی نشده و دیده می‌شود که هر گوینده و نویسنده و سازمان مسئولی، به اندازه توان خود به بررسی آن پرداخته و جنبه‌هایی از این موضوع را روشن ساخته است.

در بررسی تاریخی مشاهده می‌شود که «تهاجم فرهنگی» پدیده‌ای تازه تولد و مفهومی نو ساخته نیست و عمری به نسبت عمر بشری دارد؛ چرا که فرهنگ زاینده افعال و افکار انسانی است که در قوالب مختلف متجلی می‌شود و طبع سرکش و خودخواه نوع انسان، او را در این زمینه نیز برمی‌انگیزد تا افکار و ارزشهای مورد احترام و پسند خود را به دیگران تحمیل نماید و این نقطه آغازین پدیده «تهاجم فرهنگی» است.

رهبر آگاه و بصیر انقلاب اسلامی تعریفی از تهاجم فرهنگی دارند با این بیان که: «تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیرکردن یک ملت به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برند و چیزهای تازه‌ای را وارد این کشور و ملت می‌کنند اما به زور و به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت، که نام این، تهاجم فرهنگی است» (۱۳۷۱/۵/۲۱) اهمیت این موضوع انقدر بالاست که رهبرانقلاب تعبیر متفاوتی از قبیل «ناتوی فرهنگی» در این مورد دارند و هشدارهایی را به مسئولین مربوطه می‌دهند که اگر با آن مقابله نشود در آینده ضربات جبران ناپذیری وارد می‌کند ایشان مثال می‌زنند به کسی که از او می‌پرسند چه می‌کنی؟ می‌گوید: دهل می‌زنم می‌گویند کو صدایش؟ می‌گوید بعدا در می‌آید

از لازمه‌های شناخت قرآن و عمل به دستورات آن، شناخت دشمنان قرآن است که باید با تفکرات انحرافی و ضدقرآنی آنان آشنا شد تا بتوان با آنان مقابله کرد. حق و باطل دو مفهوم متضایند که شناخت هر کدام منوط به شناخت دیگری است لذا عمل کردن به دستورات قرآن زمانی به طور کامل انجام می‌شود که دشمنان و افکار آنان و ترفندهایی که برای انحراف و تضعیف فرهنگ مردم به کار می‌برند شناخته شود.





بنابراین ما باید علاوه بر شناخت معارف قرآنی و دینی، شگردهای دشمن را هم بشناسیم و راهکارهای مقابله با این حرکات دشمن را هم بشناسیم تا در مقابله با دشمن زمین گیر نشویم چرا که هدف اصلی دشمن در این نوع هجوم تہی کردن جامعه از اهداف اصیل است.

در این مقاله سعی شده است که ابتدائاً تعریفی جامع از فرهنگ و تهاجم فرهنگی ارائه شود سپس ابزار تهاجم فرهنگی و ویژگی‌های تهاجم فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت راهکارهایی که قرآن کریم ارائه می‌دهد برای مقابله با این نوع تهاجم دشمن بیان شده است.

«تهاجم فرهنگی» در تمدنهای قدیم، همراه با سلطه نظامی یک سرزمین و تمدن، بر تمدن دیگر صورت می‌گرفت و به محض تسلط سعی می‌شد فرهنگ متهاجم عیناً در آنجا رایج شود و فرهنگ بومی به عنوان فرهنگ مضر دشمن از میان برداشته شود. به عنوان نمونه: پس از حمله اسکندر مقدونی به سرزمین امپراتوری ایران و انقراض حکومت هخامنشیان، فرهنگ «هلنی» توسط جانشینان اسکندر در ایران تبلیغ و رایج گردید. نمونه ملموس در زمان معاصر، استعمار انگلیس است که با تسلط همه جانبه نظامی بر شبه قاره هند، فرهنگ «انگلو ساکسون» را در آنجا نشر می‌دهد که بارزترین نمود آن فرهنگ، زبان انگلیسی است که به عنوان زبان رسمی اداری این کشور به جا مانده است.

در جامعه جهانی کنونی، وضعیت به آن شکل سابق نیست، که کشوری بخواهد بر کشور دیگر تسلط نظامی و استعماری داشته باشد فلذا در جهت تسلط و همسو کردن ملت‌های دیگر با اهداف قدرت‌های جهانی، وسیله و ابزاری مؤثرتر از «تهاجم فرهنگی» وجود نخواهد داشت. چرا که تنها تمایز ملت‌ها، گذشته از نژاد، فرهنگ است و اگر فرهنگها یکسو و هم‌رنگ شود آنگاه تسلط بر آنها بدون هیچگونه توسل به جنگ و زور آسان خواهد بود. اگر ملتی از لحاظ فکری و ظاهری همانند جامعه متهاجم فکر کرد و رفتار نمود، دیگر مشکلی برای ارتباط و تسلط بر آنها وجود ندارد.

موضوع شناخت و مقابله با تهاجم فرهنگی انقدر اهمیت دارد که امام خمینی ره نقل

میکند:

«بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد. و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در بُعد های اقتصادی سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند، و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود یا وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است.» (۱۳۶۰/۷/۱)

۱. تعریف تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی

برای دستیابی به معنای تهاجم فرهنگی باید ابتدا از لحاظ لغوی معنای لغات آن بررسی شود و بعد معنای این واژه را مورد بررسی قرار گیرد
واژه تهاجم آن طور که در فرهنگ معین آمده که تهاجم به معنای هجوم بردن و حمله کردن است. (معین، بی تا: ۵۰۲/۱)

اما واژه فرهنگ بنا بر آنچه که از منابع لغتی بدست می‌آید «به معنی کشیدن و فرهیختن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است» (دهخدا، ۱۳۴۱: ۲۲۷/۶)

محمد معین هم فرهنگ را به عنوان «مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم؛ کتابی شامل لغات یک یا چند زبان و شرح آن ها، علم و دانش و ادب، کشیدن و تعلیم و تربیت» (معین، ۱۳۸۱: ۱۱۷۶/۲) تعریف می‌کند.

برای تهاجم فرهنگی با توجه به گستردگی مفهوم آن تعاریف متعددی آمده اما با توجه به تعاریفی که برای تهاجم و فرهنگ بیان شد میتوان تهاجم فرهنگی را حرکتی زیرکانه و حساب شده و با برنامه ریزی دقیق و استفاده از امکانات متعدد در جهت سست کردن باورها و عقاید مردم، انحراف اندیشه ها و تغییر آداب و سنن و اصول اخلاقی حاکم بر جامعه تعریف کرد.





همچنین مقام معظم رهبری هم فرهنگ را ذهنیت های حاکم بر وجود انسان می داند. و در این خصوص می گویند:

«مراد ما از فرهنگ، همان ذهنیت هاست. هر جا که من تعبیر فرهنگ را به کار می برم، مرادم آن معنای عام فرهنگ است؛ یعنی آن ذهنیت های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت میکند، تسریع یا کند میکند. این، حداقل نیمی از عوامل تعیین کننده و پیش برنده و جهت دهنده به همه رفتارهاست» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲: ۷۹)

وما با توجه به گستردگی معنای تهاجم فرهنگی، می گوئیم: منظور کلیه اعمال و افعال فرهنگی است که بیگانگان برای تأثیرگذاری و انحراف فرهنگ ملی و اسلامی ما با توسل به ابزارهای گوناگون صورت می دهند که هدف آن حذف یا تضعیف و یا سوق دادن فرهنگ محلی به سوی فرهنگ متهاجم است.

همچنین تبادل در فرهنگ معین بدین صورت آمده که تبادل یعنی «معاوضه، عوض و بدل کردن.» (معین، ۱۳۸۱: ۴۲۰/۱).

بنابراین تبادل فرهنگی بر اثر همجواری کشورها با یکدیگر، رفت و آمد ملتها به کشورهای دیگر و مطالعه‌ی آداب و رسوم و سنن فرهنگ‌های دیگر به وجود می آید و باعث می شود هر ملتی به نقاط ضعف و قوت فرهنگ خود آشنا شود و بکوشد تا نقاط مثبت فرهنگ‌های دیگر را بپذیرد و نقاط منفی فرهنگ خود را اصلاح کند

۲. تفاوت تهاجم با تبادل فرهنگی

با توجه به تعاریفی که از تهاجم و تبادل فرهنگی ذکر شد میتوان با مقایسه این دو مفهوم اختلافاتی را بدست آورد که چند مورد ازین تفاوت ها بدین صورت است:

تهاجم فرهنگی یک جریان یک سویه در جهت نفوذ و تأثیر منفی فرهنگی بر فرهنگ دیگر است و با این تأثیر منفی، آثار مخربی در فرهنگ مورد تهاجم به جای می ماند و عناصری به فرهنگ مورد تهاجم وارد می شود که با عناصر موجود در آن فرهنگ هیچ سازگاری و همگونی ندارد و شاید در موارد زیادی آن را نفی و طرد می نماید.

پس در واقع، تهاجم فرهنگی حامل آثار تخریبی است و اثرات آن همیشه «منفی» ارزیابی می‌گردد و مطلوب هیچ جامعه‌ای نیست، برعکس در تبادل فرهنگی جریان، جنبه «مثبت» و سازنده دارد و خلاء یک عنصر در فرهنگ مقابل را بدین وسیله پر می‌کند و یا عنصر ناهمگون و نامتناسب به وسیله عناصر فرهنگی مقابل تصحیح می‌شود.

تبادل فرهنگی همیشه مطلوب جوامع بوده است و آن را عامل تکامل فرهنگ بشری می‌دانند. به عنوان مثال: احترام به چراغ راهنمایی و حق عبور و مرور وسایل نقلیه و عابرین پیاده، یک فرهنگ و روش و رفتار پسندیده و فرهنگی است. ولی متأسفانه در جامعه ما کمتر بدان توجه می‌شود. در عوض جوامعی را می‌بینیم که در این مورد به کمال رشد رسیده‌اند. پس در اینجا انتقال این رفتار به فرهنگ ما، نه تنها مضر نیست بلکه سازنده و متکامل کننده فرهنگ ما نیز هست.

مقام معظم رهبری هم در بیان فرق بین تبادل و تهاجم فرهنگی می‌گویند: «در تبادل فرهنگی، هدف، بارور کردن فرهنگ ملی و کامل کردن آن است. اما در تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه‌کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است. در تبادل فرهنگی، آن ملتی که از ملتهای دیگر چیزی می‌گیرد، می‌گردد چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد. ملت فراگیرنده، می‌گردد نقاط درست و چیزهایی را که فرهنگ او را کامل میکند می‌گیرد اما در تهاجم فرهنگی، چیزهایی که به ملت مورد تهاجم میدهند، چیزهای خوب نیست، بلکه چیزهای بد است.

در تهاجم فرهنگی، دشمن می‌گردد آن نقطه‌ای از فرهنگ خود را به این ملت میدهد و وارد این ملت میکند که خودش میخواهد

پس، تبادل فرهنگی به انتخاب ماست؛ اما تهاجم فرهنگی به انتخاب دشمن است. تبادل فرهنگی انجام میدهم تا کامل شویم؛ یعنی فرهنگ خودی را کامل کنیم. اما تهاجم فرهنگی انجام می‌گیرد تا فرهنگ خودی را ریشه‌کن کند. تبادل فرهنگی از چیزهای خوب است؛ تهاجم فرهنگی از چیزهای بد است. تبادل فرهنگی در هنگام قوت و روزگار توانایی یک ملت انجام می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی در دوران ضعف یک ملت است.» (موسسه

پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷: ۲۱۹)



۳. ابزار و راههای دشمن برای تهاجم فرهنگی

در تهاجم فرهنگی دشمن نیاز به ابزاری دارد تا بتواند در جامعه هدف نفوذ کند، با توجه معنای گسترده آن راه‌های متفاوتی وجود دارد اما در ذیل فقط به چند نمونه بارز آن اشاره می‌شود که عبارتند از:

الف) گرفتن هویت واقعی مراکز فرهنگی

دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز علمی هر کشور که وظیفه تعلیم و تربیت نسل جوان را برعهده دارند از مهم‌ترین زمینه‌هایی هستند که دشمن می‌تواند با نفوذ در آن نسل‌های آینده کشور را آن‌طور که می‌خواهد تربیت کند. لذا از بزرگترین توطئه‌های دشمنان بدست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت است خصوصاً دانشگاه‌ها که قرار هست ارکان جامعه را تشکیل دهند

ب) هنر، سینما و تئاتر

وقتی از یک طرف سینما، تئاتر و تلویزیون کشور حرفی برای گفتن نداشته باشد از طرف دیگر سینمای مادی گرای غرب جذابیت داشته باشد طبعاً جوانان که دنبال کارهای جذاب و هیجانی اند را جذب خود خواهند کرد لذا روز بروز شاهد گرایش به سمت آنها باید بود علاوه بر این دشمن توانسته عده‌ای از سینماگران و به اصطلاح سلبریتی‌ها را هم جذب خود کند و از این نقطه ضعف، کمال استفاده را در جهت اهداف ناپاک خود ببرد که نتیجه این قصورات فیلم‌هایی می‌شود نظیر عنکبوت مقدس، و باید منتظر رفتارهایی از سلبریتی‌ها بود نظیر اتفاقات جشنواره‌های خارجی کن و ونیز و...

ج) مطبوعات و کتاب‌ها

ابزار دیگری که تقریباً همه مردم با آن سروکار دارند مطبوعات و کتب هستند. این ابزار اگر در مسیر صحیح آن استفاده شود می‌تواند انسان ساز باشد اما اگر دست دشمن بیفتد و افکار دشمنان را در جامعه تزریق کند می‌تواند تا نسل‌ها را نابود کند

د) ماهواره و اینترنت

امروزه با توجه به استفاده گسترده از اینترنت و فضای مجازی چنانچه این فضا کنترل نشود می‌تواند اثرات جبران ناپذیری بر نسل جوان ایجاد کند در کشور ما هم با توجه به



اینکه غیرت و همبستگی مردم مان ریشه دینی و ملی دارد چنانچه دشمن بتواند با فیلم‌ها و ابزار رسانه‌ای خود در شبکه‌های ماهواره‌ای و پلتفرم‌هایی نظیر اینستاگرام بر جوانان ما تاثیر بگذارد و آن‌ها را از هویت واقعی‌شان دور کند طولی نخواهد کشید که جامعه ما به درختی شبیه خواهد شد که از درون تهی است لذا می‌طلبد که در این زمینه، فرهنگ رسانه‌ای مردم تقویت شود تا دشمنان نتوانند از این ابزار استفاده کنند.

ه) فساد اجتماعی

هدف و غایت اصلی تهاجم فرهنگی، تحت تاثیر قرار دادن جامعه مورد تهاجم است، چرا که اجتماع یک ملت سازنده حکومت و دولت است. اگر ملتی از نظر اجتماعی به شکل دیگری تغییر کند، حکومت آنان نیز ناچاراً به همان شکل و وضعیت تغییر خواهد یافت. وقتی یک فرهنگ بیگانه بر جامعه‌ای مستولی شد و ماهیت آن جامعه را متحول ساخت خودبه‌خود آن جامعه به سمت این فرهنگ بیگانه گام برخواهد داشت و زمینه برای تسلط بیگانگان بر آنان باز خواهد شد. از مهمترین ابزارهای اجتماعی که برای تخریب فرهنگ مقابل به کار می‌رود، گسترش فساد اجتماعی است. فساد اجتماعی اعم از راهها و روشهای فرهنگی و غیر فرهنگی است که ممکن است مستقیماً از عناصر داخلی گرفته شده و یا از فرهنگ بیگانه وارد اجتماع گردد. از جمله مفاصد اجتماعی که دشمن سعی دارد از طرق مختلف بدان دامن زند، گسترش فساد جنسی در جامعه است.

و) جنجال‌آفرینی

از شیوه‌های رایج و قدیمی برای مبارزه با منادیان حق و عدالت، آن است که محیط را آنچنان پر از جنجال می‌کنند که هیچ کس صدای آنها را نشنود. جنجال‌آفرینی رسانه‌های استکباری و سلطه‌خبری آنها در زمان ما امری مشهود می‌باشد که فرصت عرض اندام به طرف مقابل نمی‌دهد و آن‌قدر جو را مسموم می‌کند که صدای حق طلبان به جایی نمی‌رسد. قرآن کریم می‌فرماید: «وقال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فيه لعلکم تغلبون؛ کافران گفتند: گوش به این قرآن فرار ندهید و به هنگام تلاوت آن جنجال کنید تا پیروز شوید.» (فصلت/۱۶) و همچنین آیات ۳۱ و ۳۵ انفال، ۴۳ سبأ به همین موضوع اشاره می‌کنند.



ز) استفاده از نمادهای مذهبی در تهاجم فرهنگی

در سوره مبارکه توبه آمده «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ»؛ و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم. و [لی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغ‌گو هستند.» (توبه/۱۰۷) آیه فوق به داستان مسجد ضرار اشاره دارد که بعد از ساخته شدن مسجد قبا و اقامه نماز از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن، عده‌ای از منافقان در کنار مسجد قبا، مسجد دیگری ساختند تا برای نقشه‌کشی علیه مسلمین پایگاهی داشته باشند مؤمنین را از مسجد قبا متفرق سازند و نیز در آن مسجد بر ضد پیامبر صلی الله علیه و آله به پا خیزند و ایشان را از مدینه بیرون کنند. پس از آنکه منافقان مسجد ضرار را بنا کردند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست کردند که در مسجد آنان، نماز بخواند و آنها را دعا کند. اما خداوند پیامبرش را از توطئه سازندگان مسجد ضرار آگاه و حضرت را نهی می‌کند که در آن مسجد نماز بخواند و دستور می‌دهد آن مسجد را آتش بزنند و محل زباله باشد.

اصولاً استفاده از نمادهای مذهبی و یا چهره‌های مذهبی، برای تهاجم بر ضد آن مذهب و فرهنگ از روش‌های استعمارگران بوده است. آنها به خوبی می‌دانند که برای تغییر یک فرهنگ یا مذهب، نمی‌توان مخالفت علنی با آنها کرد بلکه باید به تدریج و کم کم آن فرهنگ را توحالی کرد و در این راه باید از نماد و چهره‌های آن فرهنگ استفاده کرد تا اطمینان مردم را به خود جلب و آنگاه ضربه نهایی را بر آنها وارد کنند.

ح) تفرقه افکنی

امام علی (ع) در روایتی، یکی از راه‌های تأثیرگذاری و نفوذ دشمنان را تفرقه‌افکنی می‌داند. ایشان می‌فرمایند که: «الزُّمُومَا السُّوَادُ الْأَعْظَمُ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ؛ به اکثریت التزام داشته باشید که دست خدا



همراه جماعت است و از تفرقه بپرهیزید که موجب آفت است. آنکه از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنانکه گوسفند چون از گله دور ماند نصیب گرگ بیابان است. آگاه باشید، هر که مردم را بدین شعار بخواند او را بکشید، هر چند زیر عمامه من باشد» (نهج البلاغه/خطبه ۱۲۷)

امروزه هم تفرقه یکی از ابزار آن‌هاست نمونه آن که در کشور دنبال اجرای آن هستند تفرقه بین اقوام مختلف کشور است.

۴. ویژگی های تهاجم فرهنگی

الف) جذابیت

در آیه شریفه «فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَاسَى» (طه/۸۸) اشاره دارد به داستان سامری که بعد از رفتن حضرت موسی ع به کوه طور زیورآلات مردم را جمع کرد و آنان را از پرستش خدای یگانه باز داشت اما نکته قابل تامل این است که مردم یکتا پرست چطور گول سامری را خوردند؟ در این آیه می‌فرماید که گوساله بی جانی برایشان آورد که صدایی از آن شنیده می‌شد و این یک چیز نو و جدید بود که در بنی اسرائیل بی سابقه بود و برای مردم جذابیت ایجاد کرده بود لذا مردم سریع رنگ عوض کردند و دست از یکتا پرستی برداشتند

ب) نامرئی و نامحسوس

خداوند متعال در آیه «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛ می‌فرماید مواظب فتنه های دشمن باشید چراکه توانست با فریب های خودش حضرت آدم را هم از بهشت بیرون کند بعد در ادامه می‌فرماید او بر شما تسلط دارد اما شما نمی‌توانید او را ببینید.» (اعراف/۲۷)

شیطان دشمن قسم خورده انسان است به همین دلیل سعی می‌کند که بهترین راه را برای ضربه زدن به انسان استفاده کند و این آیه قرآن این نقشه او را برملا می‌کند که می‌فرماید او بگونه‌ای بر شما مسلط است که نمی‌توانید او را ببینید همچنین آقای قرائتی هم در ذیل





تفسیر خود بیان می‌کنند که ندیدن شیطان دلیل برای غافل شدن از او نیست لذا باید همیشه آماده باشیم چون فریب دادن شیطان بخاطر همین ناپیدایی اوست (قرائتی، ۱۳۸۸: ۴۶/۳)

این‌ها در مورد دشمن درونی است اما راهبرد های دشمن خارجی هم شبیه شیطان است با توجه به این نکته باید متذکر شد که در کشور ما هم چون دشمنان از راه نظامی نتوانستند سلطه یابند لذا راه دیگری را برای ضربه زدن به اسلام و مسلمین انتخاب کرده اند که همان تهاجم به فرهنگ مردم است یعنی آنها خیلی در لفافه قصد ورود به عقاید و باور های مردم دارند تا بتوانند ان را تغییر دهند

ج) به صورت گسترده است

تهاجم فرهنگی و جنگ نرم به مراتب وسیع تر است دامنه ان نسبت به جنگ نظامی چراکه جنگ نظامی از یک ناحیه خاص مرزی اتفاق می افتد اما جنگ نرم ناحیه خاصی را هدف قرار نمی‌دهد از همین جهت خداوند در قران می فرماید «وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ؛ فتنه انگیزی و توطئه به مراتب بدتر است نسبت به جنگ و خونریزی» (بقره/۲۱۷)

در همین زمینه در تفسیر قران مهر آمده که: «در این آیه به این اصل اساسی اشاره شده که فتنه‌گری و آشوب از جنگ بدتر است. آری کافرانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان را از مکه اخراج کرده بودند و مانع ورود مردم به مسجد الحرام می‌شدند و راه کفر و شرک می‌پیمودند و مانع راه خدا بودند، افرادی فتنه‌گر بودند که فتنه‌گری و توطئه‌های آنها از ده‌ها جنگ خطرناک‌تر و گنااهش بیش‌تر بود.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۸۲/۲)

د) حساسیت بر انگیز نیست

در دوران دفاع مقدس زمانی که مردم می‌شنیدند مرزها در خطر است، فلان شهر بمباران شده، از تمام نقاط کشور بسیج می‌شدند تا در مقابل دشمن بایستند. اما ویژگی تهاجم فرهنگی این است که حساسیت‌ها را آرام آرام از بین می‌برد و گویا افراد را به خواب می‌برد. تهاجم نظامی افراد را بیدار می‌کند. این تفاوتی است که بین تهاجم فرهنگی و تهاجم نظامی است. نگاه کنید به بچه‌ها، نوجوانان، جوانان و به عبارتی همه مردم موقعی که عادت کردند به ابزاری که دشمن در جهت تهاجم فرهنگی از آن استفاده می‌کند، دیگر

احساس مشکل نمی‌کنند، با این که همه می‌دانند یکی از ابزار دشمن همین فضای مجازی است اما چون دشمن آرام و بی سروصدا حرکت می‌کند هیچکس احساس خطر نمی‌کند و استفاده از این پلتفرم‌ها جزء برنامه روزمره زندگی آنها می‌شود.

ه) تاثیر گذاری عمیق

در جنگ نظامی با توجه به هجومی که دشمن می‌آورد عده ای تسلیم خواسته آنها می‌شوند اما توده غالب مردم با توجه به جریحه دار شدن احساسات و برانگیخته شدن غیرتشان در مقابل دشمن با تمام قوا می‌ایستند کما اینکه در جنگ تحمیلی علیه کشورمان دیدیم اما در جنگ نرم دشمن به احساسات مردم خدشه ای وارد نمی‌کند بلکه فقط مردم را از درون تهی می‌کند وقتی شستشوی مغزی دادند بعد هرکاری می‌توانند بکنند چراکه دیگر احساس و غیرتی باقی نگذاشته اند نمونه بارز آن را در سالهای اخیر می‌توان در داعش مشاهده کرد وقتی که سرویس‌های جاسوسی بیگانه اینها را شستشوی مغزی دادند بعد اهداف خودشان را به اینها در قالب دین تلقین کردند و همه دیدند که چطور این‌ها را به جان مسلمان‌ها انداختند.

و) تدریجی است

جنگ نظامی زمان آن محدود است چون طولانی شدن آن اتفاقاً نتیجه عکس می‌دهد با توجه به هزینه‌ها و تلفاتی که دارد. اما در تهاجم فرهنگی با توجه به اینکه هدف عقل و فهم مردم است و از طرفی هزینه آن نسبت به جنگ نظامی بسیار کمتر است هرچی بیشتر طول بکشد نتیجه بهتری می‌دهد

قرآن کریم در رابطه با شیطان می‌فرماید «لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ؛ از گام‌های شیطان تبعیت نکنید» (بقره/۱۶۸) در تفسیر قرآن مهر ذیل این آیه آمده «تعبیر «گام‌های شیطان» اشاره به یک مسأله‌ی دقیق تربیتی است؛ یعنی انحراف و تبه‌کاری غالباً به صورت تدریجی در انسان نفوذ می‌کند و دفعی و فوری نیست» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷۴/۲)



۵. راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

الف) بصیرت

اولین و مهم‌ترین راه برای مقابله با تهدیدات نرم دشمن این است که بینش مردم افزایش پیدا کند که هر چیزی را به راحتی قبول نکنند و در مورد آن تفکر کنند خداوند در سوره مبارکه یوسف خطاب به پیامبر اکرم ص می‌فرماید «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ بگو: این راه من است که من و هر کس که پیرو من است با بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم؛ و خدا منزه است و من از مشرکان نیستم» (یوسف/۱۰۸) این آیه می‌فرماید که پیامبر با یقین کامل به سوی خداوند دعوت می‌کند یعنی راهی که انتخاب کرده با یقین کامل بوده نه عدم آگاهی و جهالت، راغب اصفهانی در کتاب مفردات بصیرت را به معنای قوت ادراک دل گرفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ه ق: ۱۲۷)

همچنین در تفسیر قران مهر واژه‌ی «بصیرت» را در ذیل این آیه این طور معنا می‌کند که در اصل به معنای بینایی و در این جا شناخت همراه با یقین است که اساس دعوت پیامبران الهی را تشکیل می‌دهند؛ یعنی فراخوان پیامبران بر اساس تقلید نیست، بلکه با آگاهی و شناخت و یقین به سوی خدا دعوت می‌کنند، و حقایق این راه برای پیامبر و رهروان راستین او روشن شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۸۲/۱۰)

قرآن کریم می‌فرماید شاخصه تبلیغ پیامبر این هست که وسائس شیطانی در آن دخیل نیست چراکه پیامبر این مسیر را با اطلاع کافی انتخاب کرده است. از این جمله برداشت می‌شود که اگر در مسیر حق بصیرت نباشد قطعاً شیطان نفوذ می‌کند و حق را با باطل مخلوط می‌کند تا انسان‌ها را گمراه کند بنابراین اگر شخصی با بصیرت باشد جنگ نرم دشمن در او اثر نخواهد داشت.

بصیرت مهم‌ترین راه برای مقابله با تهاجمات دشمن است چون از هرابزاری که استفاده

کنند اگر بصیرت باشد آنها هرگز به اهدافشان نخواهند رسید



ب) عدم اعتماد به دشمنان

طبق آیه ۵۱ سوره مائده دشمن هیچگاه نسبت به تعهداتش با مسلمانان پایبند نیست و منافع خودشان برایشان مهم است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۱۲/۲)، (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴/۵) لذا اعتماد به دشمن کاری بسیار نسنجیده و خطرناک است بر همین اساس خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُتُمَ الْمُؤْمِنِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند [چه] از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [چه از] کافران، دوستان [خود] مگیرید، و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید.» (مائده/۵۷)

خداوند در این آیه، به مؤمنان دستور می‌دهد که به کفار و منافقان اعتماد نکنند و آنها را دوست خود نگیرند؛ زیرا آنها دین شما را به سخره و بازی می‌گیرند.

این مطلب در آیات بسیاری تذکر داده شده از جمله سوره نساء آیه ۱۴۴. فلسفه مطلب این است که کسانی که اعتقادشان با ما فرق دارد و از هر راهی درصدد ضربه زدن به اسلام و مسلمین هستند قابل اعتماد نیستند و نباید با آنها به عنوان یک دوست و همراز و تکیه‌گاه نگاه کرد. تاریخ نشان می‌دهد که بدبختی‌های مسلمانان از همین اعتماد بی‌جا و دوستی‌های نابه‌جا با کفار سرچشمه می‌گیرد.

راه مبارزه با این تهاجم به کارگیری این اصل قرآنی است که نباید کفار و دشمنان اسلام را دوست بگیریم و به آنها اعتماد کنیم. باید در همه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی مراقب آنها بود. اگر مردم این اصل قرآنی را رعایت کنند و هر خبری که از رسانه‌های غربی خارج می‌شود وحی منزل ندانند، و هر مُدّ یا سبک زندگی برخاسته از غرب را به دیده تردید بنگرند و عاشق و شیفته نشوند، و هر فکر و اندیشه‌ای که از فرهنگ‌های مهاجم می‌آید نقد و بررسی کنند و آن را با مبانی فرهنگی کشورمان بسنجند، و در صورت هماهنگی با باورها و ارزش‌های خودمان آن را قبول کنند. تهاجم فرهنگی مجالی برای عرضه نخواهد داشت.



این راهکار متناسب با زمانی است که آنها بخواهند از طریق ماهواره فضای مجازی برای ما نسخه چینی کنند همچنین زمانی که بخواهند از مقدسات ما بر علیه خودمان استفاده کنند

ج) مجازات مفسدان فرهنگی وریشه کن کردن زمینه های فساد

زمانی که سامری از غیبت حضرت موسی علیه السلام سوء استفاده کرد و با ساختن گوساله ای مردم را به شرک دعوت کرد. پس از آنکه حضرت موسی از کوه طور برگشت و دید که سامری مردم را گوساله پرست کرده برای رفع این فتنه ۳ اقدام انجام داد تا این فتنه را از بین ببرد اول از همه سامری که عامل فتنه بود را حصر کرد تا هم بقیه زیردستانش حساب کار دستشان بیاد و هم ارتباطشان قطع شود تا نتوانند فتنه جدیدی ایجاد کنند. اقدام دومش نصیحت قومش بود و سومین اقدام نابود کردن گوساله بود تا زمینه های این فتنه را هم خاموش کرده باشد

خداوند متعال هم در سوره طه به همین اقدامات اشاره می کند ذیل این آیه که می فرماید: «قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلٰهِكَ الَّذِي ظَلَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (موسی) گفت: برو که بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک شود) بگویی «با من تماس نگیر» و تو میعاد از (عذاب خدا) داری که هرگز تخلف نخواهد شد. (اکنون) بنگر به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی و ببین ما آن را نخست می سوزانیم سپس ذرات آن را به دریا می پاشیم.» (طه/۹۷) بنابراین، بر اساس این آیه با کسانی که مردم را گمراه می کنند و قصد تهاجم به فرهنگ مردم را دارند، باید برخورد کرد و آنها را مجازات کرد. و نباید به بهانه آزادی آنها را رها کرد تا درس عبرتی برای دیگران باشند و کسی طمع در افساد و گمراهی مردم نداشته باشد.

همچنین با توجه به نص صریح این آیه باید آنچه را که مظهر فساد است نابود کرد.

آیه دیگری که موید این ادعاست آیه ۱۰۳ سوره اعراف است که آقای قرائتی در تفسیر خود از عبارت الی فرعون و ملأه این طور برداشت می کنند که برای اصلاح یک جامعه باید به سراغ مهره های اصلی رفت و آب را از سرچشمه صاف کرد. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۳۱/۳)



امروزه متأسفانه به بهانه آزادی، فضای فرهنگی کشور تحت تأثیر برخی افکار لیبرالیستی قرار گرفته که هر کس انحرافی ایجاد می‌کند با او برخورد نمی‌شود و این را آزادی عقیده و فکر به حساب می‌آورند. در صورتی که آزادی عقیده با گمراه کردن مردم تفاوت دارد. و بر اساس این اصل قرآنی، نباید با منحرفان و مفسدان فرهنگی و محصولات آنها بی‌تفاوت بود و حتماً باید از جامعه طرد شوند و نتیجه کارشان نابود شود.

این راهکار برای مقابله با پیاده نظام دشمن است که در غالب رسانه ملی و هنر و همچنین کتب و مجلات بر علیه نظام فعالیت می‌کنند، یا کسانی که قصد دارند قبح یک گناه را در جامعه بشکنند و به دنبال ترویج فحشا و منکرات هستند.

د) تبیین حقایق

مردم از انجایی که همه دارای بصیرت لازم نیستند لذا دشمن به راحتی می‌تواند با وارونه جلوه دادن حقایق آنها را از راه حق دور کند لذا یکی از وظایف امام جامعه و متولیان فرهنگی این است که حقایق را برای مردم بیان کنند. در داستان حضرت موسی ع و سامری در غیاب حضرت موسی سامری مردم را گول زد و گمراهشان کرد بر همین اساس در آیه «قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ» (طه/۸۵) خداوند به حضرت موسی ع خطاب می‌کند که بعد از رفتن تو سامری منحرفشان کرد یعنی نبود یک امام برای تبیین حقیقت و راهنمایی مردم در نهایت موجب اضلال آنان می‌شود اما پاسخ حضرت موسی در قبال این انحراف این بود که بعد از مجازات سامری تبیین می‌کند حقیقتی را که سامری وارونه جلوه داده بود لذا در آیه این طور آمده که «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طه/۹۸)

همچنین حضرت هارون هم بر طبق آیه «وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَانُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي» (طه/۹۰) همین وظیفه را دنبال می‌کرد تا سبب نجات مردم باشد اما کوردلی مردم از طرفی و از طرف دیگر زرنگی سامری سبب شده بود که مردم چندان توجهی به حضرت هارون نداشته باشند.



ه) ایمان و امید

شیطان تنها کسانی را گمراه می‌کند که او را اطاعت کنند اما به هیچ عنوان نمی‌تواند در مومنان نفوذ کند در سوره مبارکه نحل آمده: «إِنَّمَا سُلْطَنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ» (نحل/۱۰۰) آقای قرائتی ذیل این آیه گفته اند مقدمات سلطه‌ی شیطان را خودمان فراهم می‌کنیم، تا مردم ولایت منحرفان را نپذیرند آنان کاری از پیش نمی‌برند. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۸۰/۴) همچنین در آیه «إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا» (اعراف/۲۰۱) گفته زمانی که شیاطین به مومنان نزدیک می‌شوند آنها متوجه می‌شوند و نجات می‌یابند. همچنین در آیه ۴۲ سوره حجر هم می‌توان این مطلب را مشاهده کرد و آیه ۲۵۷ سوره بقره هم بر همین ادعا دلالت دارد

و) مقابله با شایعات

یکی از مهم‌ترین کارهای دشمن برای تشویش اذهان عمومی و بدبین کردن نسبت به جامعه اسلامی، ایجاد شبهات است در بین مردم، بر همین اساس خداوند متعال در آیاتی از سوره مبارکه نور که به آیات افک معروف است این ابزار دشمن را آورده و راهکارهایی برای مقابله با آنان مطرح می‌کند در اولین آیه می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْأَفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ؛ کسانی که آن تهمت عظیم را مطرح کردند گروهی از شما بودند» (نور/۱۱) در کتاب مفردات ذیل کلمه افک آمده: «به هر سخنی که انحراف از حق پیدا کند و متمایل به خلاف واقع گردد، از جمله دروغ و تهمت افک گفته می‌شود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹) همچنین در تفسیر کشاف هم از افک به رساترین دروغ تعبیر شده چرا که چهره آن دگرگون شده و حقیقتش از بین رفته است. (زمخشری، ۵۳۸: ۲۱۷/۳) همچنین واژه عصبه آن طور که در تفسیر نمونه آمده به جمعیتی گفته می‌شود که با هم متحدند و پیوند و ارتباط و همکاری و همفکری دارند، در ادامه آقای مکارم ذکر می‌کنند که به کار رفتن این واژه نشان می‌دهد که توطئه‌گران در داستان افک ارتباط نزدیک و محکمی با هم داشته و شبکه منسجم و نیرومندی را برای توطئه تشکیل می‌دادند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۹۵/۱۴) و از دیگر نکات این آیه واژه منکم است که آقای قرائتی اینطور برداشت کرده‌اند که باید مراقب شایعه‌سازانی که بین خودتان زندگی می‌کنند باشید. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۵۲/۶) لذا با توجه به این



آیه مشخص می‌شود که کسانی در بین مسلمانان هستند که دنبال شایعه سازی‌اند اما قرآن کریم در ادامه آیات بیان می‌کند که مومنان نباید در مقابل شایعه ساکت باشند و وظایفی را برای آنان مشخص می‌کند لذا می‌فرماید: «لَوْ لَّا إِذِ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ؛ چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید مردان و زنان باایمان نسبت به خود (و کسی که همچون خود آنها بود) گمان خیر نبردند چرا نگفتید این دروغی بزرگ و آشکار است» (نور/۱۲) در این آیه ۲ وظیفه برای مومنان مشخص می‌کند: الف) در برابر تهمت‌ها و شایعات باید نسبت به مومنان گم‌ان خیر داشته باشید. ب) باید دروغ را برملا کنید و سکوت نکنید. و در آیه بعدی به یک وظیفه دیگر اشاره می‌کند: «لَا جَاءُ وَعَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءٍ؛ چرا چهار شاهد نیاوردند» (نور/۱۳) بنابراین با توجه به این آیه سومین وظیفه مومنان درخواست شهود است از مدعیان، در ادامه و در آیه ۱۵ خداوند به یک وظیفه دیگر اشاره می‌کند: «إِذِ تَلَقَوْنَهُ بِالْسَّتِّكُمْ وَ تَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ؛ به خاطر بیاورید زمانی را که فرا گرفتید آن سخن را و این شایعه را از زبان یکدیگر باهم می‌گفتید که به آن یقین نداشتید» (نور/۱۵) اینکه پذیرش هر سخنی که بر سر زبان‌ها است بدون تحقیق کافی ممنوع است و سخنان باید بر اساس علم باشد. (قرآنی، ۱۳۸۸: ۱۵۶/۶) وظیفه بعدی که در آیه «لَوْ لَّا إِذِ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا؛ چرا هنگامی که (آن تهمت را) شنیدید، نگفتید: برای ما شایسته نیست که در این باره حرفی بزنیم» (نور/۱۶) آمده این است که نهی از منکر و دفاع از حقوق مسلمانان واجب است.

بنابراین با توجه به این آیه، قرآن کریم پنج وظیفه مهم را برای مومنان در مقابل شایعه سازان مطرح می‌کند تا شایعه سازان نتوانند در جامعه اسلامی قد علم کنند.

ز) صبر و استقامت

قرآن کریم در ادامه دستورات خود در رابطه مقابله با دشمنان، در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/۲۰۰) می‌فرماید ای مومنان در مقابل آنان صبر پیشه کنید.

علامه طباطبایی مصابره را این طور معنا کرده که «عبارت است از اینکه جمعیتی به اتفاق یکدیگر اذیت‌ها را تحمل کنند و هر یک صبر خود را به صبر دیگری تکیه دهد و





در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست دست به دست هم دهد و تاثیر صبر بیشتر گردد» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۱/۴) در همین جهت ایت الله مکارم ذیل این ایه صابرو را اینطور معنا کرده اند که از مصابره به معنی صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است، بنابراین قرآن نخست به افراد با ایمان دستور استقامت می‌دهد (که هر گونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل می‌شود) و در مرحله دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۳۳/۳) و این برداشت می‌شود که هر چه دشمن بر استقامت خود افزود، ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم تا پیروز شویم. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۰۱/۳) همچنین رابطو می‌رساند مراقبت از مرزها معنای وسیعی دارد و شامل هرگونه آمادگی برای دفاع از خود و جامعه می‌شود؛ یعنی مراقبت از مرزهای جغرافیایی در مقابل هجوم احتمالی دشمن و مراقبت و آماده‌باش در برابر حملات شیطان و هوس‌های سرکش و نیز محافظت از مرزهای فرهنگی و عقیدتی خود و مردم (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۴۹۲/۳)

در نتیجه باتوجه به آنچه که در تفاسیر وارد شده مشخص می‌شود که اگر در مقابل هجمه‌ها و حملات دشمن صبر باشد بالاخره دشمن عقب خواهد نشست و شکست خواهد خورد

ح) وحدت

دشمن همه تلاش خود را میکند تا مسلمانان را به جان هم بیندازد و تفرقه ایجاد کند تا بتواند از این راه بر جامعه سلطه یابد و به تعبیری سیاست کثیف تفرقه بنداز و حکومت کن را اجرا کند، تفرقه باعث شکستن صفوف مستحکم مؤمنان شده و دشمنان نیز از آن برای انحراف مؤمنین استفاده می‌کنند. اما قرآن کریم که جامع همه مسائل است این ترفند آنان را هم پیش بینی کرده و به مسلمانان دستور می‌دهد که در مقابل آنان متحد باشید لذا خداوند متعال در سوره آل عمران می‌فرماید «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید و پراکنده نشوید! و

نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید» (آل عمران/۱۰۳)

بنابراین در این آیه از تفرقه به علی شفا حفره من النار تعبیر میکند یعنی شما لبه پرتگاه بودید که نجاتتان دادیم یعنی اگر از وحدت دور شدیم به نابودی کشیده خواهیم شد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۷۷/۱)

ط) ولایت مداری

از جمله ویژگی‌های امام جامعه این است که باید خبیر و بصیر به اوضاع جامعه باشد تا مردم را رهبری کند و وظیفه مردم است که از امام پیروی کنند تا در دشواری‌ها و فتنه‌ها دچار سردرگمی نشوند در داستان سامری آمده یکی از عوامل موفقیت سامری نبود امام در جامعه بود (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۷۷/۵) و او توانست با تخریب حضرت موسی به هدف خود نائل شود که قرآن می‌فرماید وقتی سامری گوساله را آورد خطاب به مردم گفت «فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى» (طه/۸۸) یعنی این اله موسی هم هست و تهمت زد به پیامبر خدا، ذیل این آیه آقای قرائتی نکته‌ای دارند که گفته‌اند «اگر بزرگان و رهبران قوم با تهمت خراب شوند، راه برای خراب کردن دیگر افراد هموار می‌شود.» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۷۷/۵)

و در ادامه ایشان از آیه ۹۰ همین سوره طه این طور برداشت می‌کنند که پیروی از رهبران الهی، مایه‌ی مصونیت از فتنه‌هاست. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۷۹/۵)

ی) توجه به سرگذشت پیشینیان

یکی از راه‌های شناخت دشمنان شناخت پیشینه آنان است. اگر شخصی دلایل پیروزی دشمنان، راهکارهای آنها، اهدافشان و... را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد قطعاً می‌تواند با آگاهی کامل در برابرشان بایستد.

خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن عبرت‌پذیری از سرنوشت گذشتگان را به مردم یادآور می‌شود.

به عنوان مثال آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ» (انعام/۱۱۲)

جزء آیتی است که خداوند به پیامبر یادآوری می‌کند که گول ظاهر سازی و حرف‌های



قشنگ دشمنان را نخورند. کما اینکه این حربه دشمنان جنی وانسی برای پیامبران قبلی هم بوده و چیز تازه‌ای نیست. آقای قرائتی ذیل این آیه از کلمه کذلک اینطور استفاده کرده‌اند که از عوامل پایداری و مقاومت انسان آگاهی از تاریخ و مشکلات دیگران است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۵۳۴/۲).

نتیجه گیری

خلاصه‌ی از یافته‌ها و نتایج در این مقاله را میتوان به شرح زیر جمع بندی و بیان کرد:

۱. یکی از شیوه‌های دشمنان برای تسلط بر دیگر ملت‌ها نفوذ و تهاجم فرهنگی است.
۲. بین تهاجم و تبادل فرهنگی فرق است. تهاجم فرهنگی مذموم است اما تبادل فرهنگی امری ممدوح و پسندیده است.
۳. مهم‌ترین شیوه‌های تهاجم فرهنگی: فسادزایی، جنجال‌افرینی، تفرقه، نفوذ در مراکز فرهنگی و استفاده از نماد‌های مذهبی است.
۴. از مهم‌ترین ویژگی‌های تهاجم فرهنگی: جذابیت، نامحسوس بودن، تدریجی بودن و گسترده بودن است.
۵. از مهم‌ترین راه‌های مقابله: بصیرت‌افزایی، عدم اعتماد به دشمنان، مجازات مفسدین، تبیین حقایق، ایمان و امید، مقابله با شایعات، صبر و استقامت و وحدت است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. بخشی از پیام امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی به مناسب بازگشایی مدارس در اول مهر ماه ۱۳۶۰.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ۱۶ جلد، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ ه.ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن کریم، ۱ جلد، دارالشامیه، بیروت، چاپ ۱، ۱۴۱۲ق.



۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، ۲۴ جلد، پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، قم، چاپ ۱، ۱۳۸۷ ه.ش.
۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ۴ جلد، دارالکتب العربی، بیروت، چاپ ۳، ۱۴۰۷ ه.ق.
۸. شورای عالی انقلاب فرهنگی، گزیده بیانات موضوعی حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی، یک جلد، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران، چاپ ۱، ۱۳۹۲.
۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ ۲، ۱۳۹۰ ه.ق.
۱۰. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۰ جلد، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، چاپ ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۱. معین، محمد، فرهنگ معین، ۲ جلد، ادنا، تهران، چاپ ۴، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۱۰، ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۳. موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، درد مشترک، یک جلد، نهضت نرم‌افزاری (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)، تهران، چاپ ۱، ۱۳۹۷.

